

بررسی فقهی و حقوقی جرم خیانت در امانت (abuse of confidence)

حمید رضا طوسی^۱

پریجان خواجه^۲

چکیده:

مقاله حاضر با موضوع جرم خیانت در امانت از منظر فقه و حقوق به روش توصیفی-تحلیلی و ابزار کتابخانه ای تهیه گردیده است. جرم خیانت در امانت از قدیم الایام در جوامع انسانی جاری بوده است. دین مبین اسلام جرم مذکور را در زمره گناهان کبیره محسوب می دارد و از آنجا که این جرم واجد حیثیت عمومی و دارای جنبه الهی است حتی با رضایت مدعی خصوصی یا استرداد شکایت نیز قابل گذشت نخواهد بود. طبع قضایی این جرم به نحوی است که ارتکاب آن مستلزم وجود عناصر و اجزای خاصی است و از منظر فقه و حقوق صور خاصی برای این جرم در نظر گرفته شده که تحقق هر کدام از آنها موجبات ضمان و مجازات را فراهم می آورد. ماهیت این جرم غالباً مرتبط با مسائل مالی است و در قالب عقود، که بیشتر جنبه مدنی دارند ظهور می یابند و از آنجا که افراد جامعه هنگام مبادله کالا با یکدیگر بنا را بر اعتماد و اطمینان می گذارند و یکدیگر را امین قرار می دهند، به لحاظ ضرورت ایجاد ضمانت های فراتر از تضمین های مدنی، شرعاً خیانت در امانت قابل تعزیر بوده و قانونگذار برای مرتکبین این جرم مجازات کیفری در نظر گرفته است.

کلید واژه ها: جرم، امانت، خیانت، تصرف، تصاحب، اتلاف، مفقود کردن.

مقدمه

امانتداری یکی از صفات پسندیده اخلاقی است که تمامی مذاهب آسمانی پیروان خود را به رعایت آن سفارش کرده اند. معمولاً انسان در زندگی به انسان های امین نیازمند می شود، تا مال، راز یا مطلب مهمی را نزد آنها به امانت بسپارد، چرا که بقای زندگی اجتماعی و تداوم ارتباط سالم بین افراد جامعه مستلزم امانتداری آنان نسبت به اموال یکدیگر می باشد و حفظ امانت دیگران، مراعات اعتماد آنها و احترام به احساسات پاک انسانی است (میرمحمد صادقی، ۱۳۵: ۱۳۸۷).

امانت و امانتداری از موضوعاتی است که در فرهنگ دینی بسیار مورد تاکید است و در قرآن کریم در آیات متعددی به رعایت امانت توصیه شده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء، ۵۸).

در اسلام به همان اندازه که امانتداری، شریف و ارجمند است، خیانت در امانت، نکوهیده و زشت است و ارتکاب آن موجب از بین رفتن اعتماد لازم و سایه افکندن حالت مرگبار تشویش و نگرانی بر فضای زندگی مردم می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام برشمردن نشانه های منافق، از خیانت در امانت به عنوان یکی از نشانه های منافق یاد می نماید (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۹، ۲۰۶). بنا براین مساله خیانت در امانت یک مساله عادی و سطحی نیست که در حاشیه زندگی قرار داشته، نادیده گرفته شده و یا کم ارزش جلوه داده شود، بلکه چون انجام این گونه عملیات مغایر با صفت امانتداری است

^۱ - عضو هیات علمی جامعه المصطفی (ص) العالمیه Email: hrt00si123@gmail.com

^۲ - طلبه فارغ التحصیل سطح ۳ (کارشناسی ارشد) موسسه آموزش عالی حوزوی ریحانه النبی سلام الله علیها شیراز Email: Pkh21@yahoo.com

در اکثر نظامات حقوقی و مذهبی، موجب ضمان (زراعت و مسجدسرای، ۱۳۹۱: ۲۳۵) و مستحق مجازات معین (منصور، ۱۳۹۲، ۲۸۹) شناخته شده است.

البته از آنجا که این جرم موجب رواج بی اعتمادی در جامعه می شود قبیح اجتماعی آن از قبیح اخلاقی اش جدی تر بوده و در حقوق کیفری همواره به عنوان یک جرم (از جرایم علیه اموال و مالکیت) محسوب شده است.

در این مقاله، ضمن آشنایی با مفهوم جرم خیانت در امانت و تاریخچه آن، جهت اثبات سازگاری دیدگاه حقوق با موازین شرعی به بررسی توصیفی - تحلیلی این موضوع از منظر فقه و حقوق و بیان شواهد فقهی و حقوقی در این مساله پرداخته می شود.

پرسش اساسی این نوشتار این است که از منظر فقه و حقوق مساله خیانت در امانت از چه جایگاهی برخوردار است و نظام جزای اختصاصی در فضای خیانت در امانت در زوایای مختلف آن تا چه میزان با فقه و موازین شرعی مطابقت دارد؟ فرضیه مقاله این است که از منظر فقه و حقوق جرم خیانت در امانت واجد حیثیت عمومی است؛ اگرچه در فقه به صراحت به این مساله پرداخته نشده است لیکن جنبه عمومی این جرم بر جنبه خصوصی آن غلبه دارد، لذا جرمی غیر قابل گذشت می باشد متشکل از عناصر گوناگون که صور خاصی در فقه و حقوق برای آن بیان گردیده است. برای جرم خیانت در امانت مجازات سازگار با موازین فقهی در قانون مجازات اسلامی تعیین گردیده است.

پیشینه تحقیق:

اگر چه مقالاتی مانند "امانتداری در آموزه های اسلامی" از رضا وطن پرست (۱۳۸۳)، "خیانت در امانت ممنوع" از فرج الله فرج الهی (۱۳۵۶)، "خیانت در امانت" از اکبر بلوری (۱۳۳۶)، "خیانت در امانت و تحلیل رابطه امانی این جرم از دیدگاه حقوق جزا" از بهروز جندقی (۱۳۸۹)، "خیانت در امانت در قانون و فقه" از علی فتحی (۱۳۹۱)، "خیانت در امانت" از رضا نوری (۱۳۵۲) نوشته شده است اما در زمینه موضوع مقاله حاضر تاکنون تحقیق مستقلی صورت نگرفته است.

مفهوم شناسی

قانونگذار تعریفی از جرم خیانت در امانت به عمل نیاورده است. کتاب های فقهی نظیر تبصره المتعلمین، جواهرالکلام و ... «سپردن مال به کسی برای نگهداری نمودن» را تحت عنوان ودیعه مطرح و ودیعه را عقدی متضمن ایجاب و قبول می دانند که مالک هر زمانی بخواهد می تواند آن را از امین مطالبه نماید؛ و در صورت تعدی و تفریط امین، خیانت محقق و شخص خائن ضامن محسوب می شود. (حلی، ۱۳۸۵: ۷۵۶ و نجفی، ۱۳۹۴، ج ۲۷: ۱۱۷) در این مورد در جای خود بحث خواهد شد که ودیعه نوعی از امانت است که به آن امانت مالکی می گویند.

به نظر برخی از حقوقدانان خیانت در امانت رفتار مجرمانه و مخالف امانت است، چنان که دکتر میرمحمد صادقی این چنین می نویسد: «خیانت در امانت عبارت است از استعمال، تصاحب، تلف یا مفقود نمودن توأم با سوء نیت مالی که از طرف مالک یا متصرف قانونی به کسی سپرده شده و بنابر استرداد یا به مصرف معین رسانیدن آن بوده است.» (میر محمد صادقی، ۱۳۸۷: ۱۴۷) یا دکتر محمد جعفر لنگرودی خیانت در امانت را عبارت می داند از: «استعمال مال مورد امانت به توسط امین در جهتی که منظور صاحب مال نباشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳: ۲۷۰).

تاریخچه جرم خیانت در امانت

جرم خیانت در امانت مانند جرایمی چون قتل، سرقت و کلاهبرداری از گذشته‌های دور وجود داشته است. در حقوق روم جرم خیانت در امانت تحت عنوان «فرتوم» (fartum) قابل مجازات بوده است. فرتوم عنوان بزه عام و کلی بوده که شامل سرقت، کلاهبرداری و خیانت در امانت در مفهوم امروزی آن می‌شد؛ و عبارت بود از تصاحب یا تصرف مال متعلق به غیر، اعم از اینکه شئی مورد تصرف، توسط خود مالک یا متصرف به بزهکار تسلیم می‌گردد یا اینکه شخصاً آن را بدست می‌آورد. به مرور زمان در قوانین کشورهای مختلف از جمله کشورهای اروپایی مثل فرانسه، بلژیک، سوئیس، این جرم که مشتمل بر سوء استفاده از اعتماد دیگری است از جرم سرقت که عبارت از ربایش مال غیر، بدون رضایت و آگاهی وی می‌باشد و از کلاهبرداری و نیز از سایر جرایم علیه اموال تفکیک شد. البته این تفکیک در همه نظامهای حقوقی مشاهده نمی‌گردد و چنان که دکتر میرمحمد صادقی به آن اشاره نموده است مثلاً در حقوق انگلیس جرم مستقلی تحت عنوان خیانت در امانت وجود ندارد و هرگونه تصاحب مال متعلق به دیگری اعم از اینکه آن مال به مجرم سپرده شده و یا وی آن را ربوده باشد تحت عنوان سرقت قابل تعقیب می‌باشد. بنابراین از نظر حقوق انگلیس تصاحب اتومبیلی که توسط یک شرکت کرایه اتومبیل به شخص سپرده شده است درست همانند ربایش پنهانی آن، سرقت محسوب می‌گردد. (میر محمد صادقی، ۱۳۸۷: ۱۳۶-۱۳۷)

در کشور ما ایران با توجه به مبنا بودن فقه شیعه، با لحاظ کردن فقه در متن قانون، عمل و فعل خیانت در امانت، به عنوان یک جرم مطرح و برای آن مجازات کیفری پیش بینی شده است (ماده ۹۰۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲)؛ چرا که با انجام این جرم، نظم و امنیت عمومی به خطر می‌افتد و ارکان جامعه به هم می‌ریزد و اعتماد مردم از یکدیگر سست می‌شود. از منظر فقهی نیز، وجود عنوان خیانت در امانت یک امر مسلم و دارای بنیان دیرین است که به اشکال گوناگون مورد نظر قرار می‌گیرد: گاه به شکل عقد اجاره، ودیعه، عاریه و مضاربه و مانند آن انجام می‌شود و مال توسط مالک یا متصرف قانونی آن در اختیار دیگری گذاشته می‌شود که به آن امانت مالکی گفته می‌شود و زمانی مال به اذن شارع در اختیار غیر مالک آن قرار می‌گیرد و شخصی از نظر شرعی مکلف به حفظ آن می‌شود، که به آن امانت شرعی گفته می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۸۶: ۱۱۲) و در هر دو صورت امین تکلیفی مبتنی بر حفاظت از مال مورد امانت دارد که در صورت تعدی و تفریط ضامن خواهد شد.

حیثیت عمومی جرم خیانت در امانت

در ابتدا لازم است در مورد جرایم دارای حیثیت عمومی و جرایم دارای حیثیت خصوصی و نیز تفاوت بین حق الله و حق الناس توضیحاتی ارائه شود، بعد به عمومی بودن حیثیت جرم خیانت در امانت پرداخته شود.

در حقوق قدیم جوامع بشری، جرایم فاقد جنبه عمومی بودند و در نتیجه آنها را خطاهای عمومی که بر کل جامعه اثر می‌گذارد محسوب نمی‌کردند. تنها قربانی یا اقوام و هم قبیله ای های او متضرر از عمل مجرمانه تلقی گشته و مستحق جبران خسارت، با انتقام گیری و تقاص شناخته می‌شدند. به مرور ایام، آثار منفی این اعمال بر جامعه و لزوم حمایت از جامعه در مقابل آنها مورد شناسایی و تصدیق واقع شد و در نتیجه جامعه شروع به دخالت کردن در دستگیری و مجازات مجرمین نمود. از این زمان مجازات هایی بر مجرمین تحمیل می‌شد که مشتمل بر پرداخت غرامت به قربانی نبود، بلکه اهداف دیگری غیر از صرف جبران خسارت وارده بر متضرر از جرم را دنبال می‌کرد.

علی رغم این خصیصه کلی جرایم، این نکته را نمی توان انکار کرد که در برخی از جرایم ضرر مستقیمی که به متضرر از جرم وارد می شود بسیار بیش از ضرری است که به طور غیر مستقیم به کل جامعه وارد می گردد. بنابراین در این گونه از جرایم، پی گیری جرم توسط جامعه منوط به شکایت فرد زیان دیده از جرم می باشد و با گذشت وی تعقیب و مجازات متوقف می گردد، مانند جرم صدور چک بدون محل. برعکس جرایمی که تعقیب و مجازات مرتکب منوط به شکایت شاکی خصوص نمی باشد و گذشت شاکی یا مدعی خصوصی نیز حداکثر ممکن است به عنوان یک کیفیت مخففه در مرحله تعیین مجازات در نظر گرفته شود مثلاً مجازات سوءاستفاده کننده از سفید مهر در صورت صرف نظر کردن مدعی خصوصی از تعقیب، تخفیف داده می شود نه این که تعقیب متوقف گردد. (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۷: ۴۵)

تفاوت فوق الذکر در فقه اسلامی بین حق الله و حق الناس وجود دارد؛ این دومفهوم از نظر حق شاکی خصوصی در تعقیب یا گذشت با یکدیگر تفاوت دارند؛ زیرا در حق الناس تعقیب و مجازات مجرم متوقف بر مطالبه صاحب حق یا قائم مقام قانونی اوست. محقق حلی در شرایع الاسلام اظهار می دارد: «يجب على الحاكم اقامه حدود الله تعالى بعلمه كحد الزنى، اما حقوق الناس فتقف اقامت ها على المطالبه، حداً كان أو تعزيراً». (نجم الدین محقق حلی، ۱۳۶۰: ۱۵۸) و نظر محقق حلی به عنوان یکی از بزرگترین و نام ورتترین فقیهان شیعه با عظمت و اعتبار خاص در میان مجتهدان که فقه را بر پایه استدلال محکم بنا نهاده است؛ مهر تاییدی بر این مطلب می باشد.

با این توضیحات جرم خیانت در امانت از جمله جرایم واجد حیثیت عمومی است، حق الناسی است که در آن حق الله نهفته است و دارای جنبه الهی می باشد و می تواند موجب دو ادعا شود: ۱- ادعای عمومی برای حفظ حدود الهی و حقوق و نظم عمومی ۲- ادعای خصوصی برای مطالبه حق. چرا که هم موجب تضرر شخص یا اشخاص خاص می شود و هم باعث اختلال و اختلال در نظم جامعه گردیده و بر مصالح اجتماعی و حقوق عمومی لطمه وارد می سازد، در نتیجه طبق قانون «رضایت مدعی خصوصی یا استرداد شکایت اگر چه موضوع حق الناس را در جرم مزبور منتفی می سازد؛ لیکن تعزیر شرعی یا حکومتی مجرم لازم می گردد». (شامبیانی، ۱۳۹۲: ۲۷۵)

عناصر تشکیل دهنده جرم خیانت در امانت

جرم خیانت در امانت مرکب از عناصری است که قبل از محکوم کردن متهم باید توسط مرجع تعقیب اثبات گردد. عناصر متشکله این جرم عبارتند از:

الف) عنصر قانونی

جرم و مجازات ها مبنای قانونی دارند و چنان که در یک ضرب المثل قدیمی لاتین آمده است: «هیچ جرم و هیچ مجازاتی بدون قانون وجود ندارد». (نور بها، ۱۳۹۰: ۴۸).

در حال حاضر عنصر قانونی جرم خیانت در امانت را ماده ۹۰۰ قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ تشکیل می دهد. در این ماده آمده است: «هر گاه اموال منقول یا غیرمنقول یا نوشته هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت، یا هر کار با اجرت یا بی اجرت به کسی داده شده و بنا بر این بوده است که اشیاء مذکور مسترد شود، یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین آنها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد». (منصور، ۱۳۹۲، ۲۸۹)

ب) عنصر مادی

عنصر مادی جرم خیانت در امانت از ۳ جز تشکیل گردیده است که عبارتند از :

۱- رفتار مادی فیزیکی : این رفتار عبارت است از استعمال، تصاحب، اتلاف یا مفقود کردن مال مورد امانت که می تواند به شکل فعل یا ترک فعل باشد اما عمدتا به صورت فعل است (گلدوزیان، ۱۳۹۱: ۴۰۱) و در ماده ۹۰۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز بیان گردیده است.

۲- شرایط و اوضاع و احوال لازم در تحقق جرم: قانونگذار وجود شرایط مختلفی را برای جرم شناختن عملی که امین در مورد مال امانتی (خواه امانت مالکی باشد یا امانت شرعی) مرتکب می شود لازم دانسته است که در زیر به مهم ترین این شرایط اشاره می کنیم :

۲-۱- موضوع جرم باید عین مال یا وسیله تحصیل مال باشد : یکی از شرایط تحقق جرم خیانت در امانت این است که عین مال یا وسیله تحصیل مال موضوع جرم مذکور باشد . نتیجه این شرط آن است که هر گاه کسی فرزند خود را به دیگری بسپارد یا او را نسبت به اسرار زندگی خود امین قرار دهد، و دریافت کننده خلف وعده کند، از آنجایی که این موارد نه مالند و نه وسیله تحصیل مال ؛ وقوع خیانت در امانت نسبت به او قابل تصور نخواهد بود.

در کتب فقهی نیز در باب ودیعه از ابتدای تعریف ودیعه تا پایان بحث غالبا کلمه ودیعه را به مال اطلاق می کنند : «عقد يتضمن استئمان الغير في حفظ المال» (ایروانی، ۱۳۸۵، ۲۶۷)، «الاستئمانه في حفظ العين من المالك أو ممن يقوم مقامه». (کاشف الغطاء، بی تا، ۲)

۲-۲- تسلیم شی و استرداد مال به یکی از طرق قانونی: این شرط در واقع متشکل از ۳ جز است که: اولاً: مال موضوع جرم باید توسط مالک یا متصرف قانونی به امین سپرده شده باشد؛ چرا که اگر شخص بر خلاف رضایت مالک و توسط خودش مال را تصاحب کرده باشد، جرم تحقق یافته از مصادیق « سرقت » خواهد بود، نه «خیانت در امانت» (میر محمد صادقی، ۱۳۸۷: ۱۵۴). ثانیاً: مال باید توسط متصرفی که تصرف وی مورد حمایت قانون قرار دارد به امین سپرده شده باشد تا سپردن وی نیز مورد حمایت قرار گیرد . بنابراین هرگاه سارق یا غاصبی مال مسروقه یا مال غصبی را در نزد کسی به امانت بگذارند و امین آن را به مالک اصلی یا به مقامات صلاحیتدار تحویل دهد، نه تنها مرتکب جرم خیانت در امانت نشده است، بلکه با توجه به احکام اسلامی به وظیفه قانونی خود یعنی رساندن مال به مستحقش عمل کرده است چنان که محقق حلی می فرماید: «و لو كانت غصبا منعه و توصل فی وصولها الی المستحق؛ اگر مال مورد امانت غصبی باشد آن را به غاصب تحویل ندهد، بلکه آن را به مستحقش برساند». (محقق حلی، ۱۴۱۶ق، ۲۴۵) ثالثاً: در صورتی می توان گیرنده مال را به ارتکاب جرم خیانت در امانت محکوم کرد که وی موظف به برگرداندن مال یا به مصرف معین رسانیدن آن باشد، مثل شخصی که از سوی دیگری مأمور شده است که اموالی را که او در اختیارش گذاشته است به یک موسسه خیریه تسلیم کند. (میر محمد صادقی، ۱۳۸۷، ۱۶۰)

۲-۳- تعلق مال به غیر: مال مورد امانت باید متعلق به غیر باشد تا با هرگونه تصرف، اتلاف، مفقود شدن و تصاحب در آن عنوان خیانت در امانت صدق کننده متعلق به خود شخص؛ چون امانت دارایی و جنسی است که به اذن مالک آن یا به اذن شارع مقدس در اختیار غیر مالک آن قرار می گیرد. (انصاری، ۱۴۲۴: ۱۰۵)

آورده سوء استفاده نماید به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.». (منصور، ۱۳۹۲: ۲۸۹) اما در دلیل این که چرا قانون گذار این جرم را تحت عنوان خیانت در امانت معین نموده است، گفته می شود: «زیرا نهایتاً رفتار مجرمانه شخص مرتکب این جرم مبتنی بر نوعی سوءاستفاده از اعتماد شخص است به وسیله استعمال ناروای چیزی که توسط وی تحویل گردیده است.» (گلدوزیان، ۱۳۹۱، ۴۰۸)

۲- خیانت مستخدمین دولت در اموال و اسناد دولتی

یکی از فروض جرم خیانت در امانت جرم اختلاس می باشد البته با تفاوت هایی بین اختلاس و خیانت در امانت که پرداختن به آن بحث جداگانه ای را می طلبد.

به موجب ماده ۸۳۵ قانون جدید مجازات اسلامی «هر یک از مستخدمان دولتی اعم از قضایی و اداری، نوشته ها و اوراق و اسنادی را که بر حسب وظیفه به آنان سپرده شده یا برای انجام وظایفشان به آنان داده شده است، معدوم یا مخفی نماید یا به کسی بدهد که به لحاظ قانون از دادن به آن کس ممنوع می باشد. علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.» (منصور، ۱۳۹۲: ۲۷۲)

۳- جرایم در حکم خیانت در امانت در قانون تجارت

به موجب موادی از «قانون تجارت»، سوء استفاده دلال، حق العمل کار (کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل حق العملی دریافت می دارد.) یا مدیر تصفیه (قائم مقام قانونی ورشکسته است.) موجب اعمال مجازات خیانت در امانت در مورد آنان خواهد شد؛ مثلاً ماده ۳۴۹، دلال را، در صورتی که برخلاف وظیفه خود نسبت به کسی که به او ماموریت داده، به نفع طرف دیگر معامله اقدامی نماید و یا، برخلاف عرف تجاری محل، از طرف مزبور وجهی دریافت و یا وعده وجهی را قبول کند، مستحق اجرت و مخارجی که کرده ندانسته و به علاوه وی را محکوم به مجازات مقرر برای خیانت در امانت دانسته است. (میر محمد صادقی، ۱۳۸۷: ۱۹۵) یا ماده ۵۵۵ «قانون تجارت» مدیر تصفیه را، در صورتی که در حین تصدی به امور تاجر ورشکسته وجهی را حیف و میل کرده باشد، خائن در امانت محسوب کرده است. (زراعت، ۱۳۸۸: ۱۷۳)

۴- جرایم در حکم خیانت در امانت در قانون ثبت اسناد و املاک

موضوع این جرم املاک وقفی، حبس و ثلث باقی می باشد. ماده ۲۸ «قانون ثبت اسناد و املاک» مصوب ۱۳۱۰ در مورد املاک حبس و وقف و ثلث باقی مقرر می دارد: «هرگاه نسبت به این قبیل املاک به عنوان مالکیت تقاضای ثبت شده و متولی یا نماینده اوقافی که به موجب نظامنامه، مکلف به دادن عرض حال اعتراض و تعقیب دعوی و حفظ حقوق وقف یا حبس یا ثلث باقی است در اثر تبانی به تکلیف خود عمل ننماید، به مجازات خیانت در امانت محکوم خواهد شد. در مواردی نیز که تقاضای ثبت ملک دیگری بدون ذکر حقوق ارتفاقی املاک وقف و حبس و ثلث باقی، شده است هرگاه اشخاص مذکور در فوق، در اثر تبانی به تکلیف خود عمل ننمایند، به مجازات خائنین در امانت محکوم می شوند.» (زراعت، ۱۳۸۸: ۱۷۳)

دکتر میر محمد صادقی نیز بعد از ذکر این ماده قانونی، در توضیح آورده است: «همان گونه که از متن ماده ملاحظه می شود، عنصر اساسی در تحقق این جرم: «تبانی اشخاص مسوول با متقاضی ثبت» می باشد؛ به طوری که شخص مسوول در اثر تبانی به وظیفه خود - دایر بر اعتراض نسبت به اصل ثبت املاک وقف و حبس و ثلث باقی به نام دیگران و یا اعتراض نسبت به ثبت بی قید و شرط ملک دیگری بدون ذکر حقوق ارتفاقی آن املاک - عمل ننماید.» (میر محمد صادقی، ۱۳۸۷: ۱۹۶) بنابراین هر

گاه عدم اعتراض در اثر غفلت و بی توجهی مسوول ، و یا به دلیل دیگری غیر از تبانی با متقاضی ثبت باشد ، مفاد این ماده اعمال نخواهد شد .

۵- جرایم در حکم خیانت در امانت در قانون شرکت های تعاونی

با توجه به این که وجوه و اموال شرکت ها و اتحادیه های تعاونی نزد مدیران عامل یا سایر اعضای هیأت مدیره یا بازرسان یا کارکنان شرکتها و اتحادیه های تعاونی امانت محسوب می شوند ، به موجب ماده ۱۲۸ قانون شرکت های تعاونی ، مصوب تیرماه ۱۳۵۰ ، هر یک از این افراد که مرتکب خیانت در امانت در وجوه و اموال شرکت یا اتحادیه گردد به مجازات مقرر در ماده ۹۰۰ قانون جدید مجازات اسلامی ، یعنی شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد. (میر محمد صادقی ، ۱۳۸۷: ۱۹۸)

۶- جرایم در حکم خیانت در امانت در قانون تصدیق انحصار وراثت

مطابق ماده ۶ قانون تصدیق انحصار وراثت: «اگر اموال منقول و غیر منقول و وجه نقد متعلق به اشخاص مجهول الوارث که در تصرف دولت یا موسسات تجاری و یا صرافیه و غیره و یا اشخاص است در ظرف ۱۰ سال نسبت به مال منقول و وجه نقد و ۲۰ سال نسبت به مال غیر منقول ، از تاریخ فوت مالک ، کسی به عنوان وراثت ادعا ننماید ، دیگر ادعایی پذیرفته نخواهد شد و اموال مزبور متعلق به دولت است که به مصرف موسسات خیریه برساند.» و ماده ۱۱ همین قانون نیز اشعار دارد که : «هرگاه متصرفین مال متعلق به اشخاص مجهول الوارث و یا مدیونین به اشخاص مزبور ، بعد از انقضای مدتی که به موجب ماده ۶ مقرراست (ظرف ۱۰ سال نسبت به مال منقول و وجه نقد و ۲۰ سال نسبت به مال غیر منقول از تاریخ فوت مالک) مال یا دین و یا منافع حاصله از آن را مطابق تبصره ماده مذکور به دولت تسلیم و یا تادیه ننماید به مجازاتی که به موجب قوانین جزایی برای خیانت در امانت مقرر است محکوم خواهند شد. در صورتی که متصرف یا مدیون ، شرکت باشد مدیر شرکت و یا شعبه آن که متصرف و یا مدیون است ، مسئول اجرای مقررات تبصره ماده ۶ بوده و در صورت تخلف به مجازات مذکور فوق ، محکوم خواهد شد.» (زراعت ۱۳۸۸ : ۱۷۳)

جرم خیانت در امانت در قانون مجازات با تطبیق بر موازین شرعی

از آنجا که اگر مال دیگری به امانت مالکی یا شرعی به دست کسی رسید خیانت کردن به آن حرام است ، دین مبین اسلام این عمل حرام را در زمره گناهان کبیره محسوب می دارد (دستغیب، ۱۳۸۸ : ۳۵۱) و چون برای این جرم حدی در شرع مقرر نگشته است با استفاده از عنوان کلی تعزیرات قابل مجازات می باشد (میر محمد صادقی ، ۱۳۸۷ : ۱۳۹)

با سیری در قانون مجازات اسلامی به دست می آید که مجازات ها در قانون به دو دسته مجازات های اصلی و مجازات های تبعی و تکمیلی تقسیم می شوند . مجازات اصلی مجرم در جرم خیانت در امانت از قسم تعزیر می باشد . تعزیر: «تادیب و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است . از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کمتر باشد.» (عباس قدیانی ، ۱۳۷۳ : ۲۹)

با تغییراتی در قانون مجازات عمومی و قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ ، در قانون مصوب سال ۱۳۷۵ و به دنبال آن در قانون جدید مصوب سال ۱۳۹۲ ، مجازات جرم خیانت در امانت شش ماه تا سه سال حبس تعیین گردیده است که این مساله با موازین فقهی نیز سازگار می باشد ، مخصوصاً با توجه به روایتی که از امام باقر علیه السلام نقل شده است بدین مضمون که

امیرالمومنین علیه السلام برای سه کس دستور حبس صادر می کرده اند، آنجا که می فرماید: « لا یحبس فی السجن الا ثلاثه : الغاصب و من أكل مال الیتیم و من ائتمن علی أمانه فذهب بها؛ حبس نمی شود در زندان مگر سه شخص: غاصب، خورنده مال یتیم، نابود کننده امانت ». (شیخ طوسی، ۱۳۴۳: ۳۵۳)

البته برای مرتکبین جرم خیانت در امانت، گذشته از این مجازات اصلی دادگاه نیز می تواند یک یا چند مجازات دیگر به عنوان مجازات تکمیلی در نظر بگیرد.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۲۳، مجازات های تکمیلی و تبعی را بیان داشته که برخی از آنها عبارتند از: اقامت اجباری در محل معین؛ منع از اقامت در محل یا محل های معین؛ منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین؛ انفصال از خدمات دولتی و عمومی؛ منع از داشتن دسته چک و... (شامبیاتی، ۱۳۹۲: ۲۷۳)

نتیجه گیری

طبق آنچه در این مقاله بیان شد قانونگذار تعریفی از جرم خیانت در امانت بعمل نیاورده است اما طبق تعاریف ارائه شده، این جرم به وسیله انجام یکی از چهار فعل: تصرف، تصاحب، اتلاف و مفقود کردن مال مورد امانت تحقق می پذیرد. خیانت در امانت که فعل حرام و از گناهان کبیره محسوب می گردد حق الناس صرف نیست، بلکه از جرایم مضر به حقوق خصوصی و مصالح عمومی است که به ضرورت مصلحت جامعه و حفظ نظم عمومی تعزیر شرعی یا حکومتی مجرم لازم می باشد.

ارتکاب جرم خیانت در امانت مستلزم وجود عناصر و اجزای خاصی نظیر عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر معنوی می باشد و صور خاصی نیز برای این جرم در فقه و حقوق بیان گردیده است که در واقع موجبات ضمان در این مساله به شمار می روند.

ماهیت این جرم غالباً مرتبط با مسائل مالی و مردمی بوده و به دو دسته امانت های مالکی و شرعی تقسیم گردیده است. که در قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات علاوه بر مجازات اصلی (شش ماه تا ۳ سال حبس) که سازگار با موازین فقهی نیز می باشد؛ مجازات تبعی و تکمیلی نیز برای مرتکبان جرم خیانت در امانت در نظر گرفته شده است و توسط دادگاه و مرجع صلاحیتدار اعمال می گردد.

منابع:

۱-قرآن

- ۲- امینی، علیرضا و محمد رضا آیتی، **تحریرالروضه فی شرح اللمعه** [شهید اول]، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها؛ موسسه فرهنگی طه، ۱۳۸۱.
- ۳- انصاری، محمدعلی، **الموسوعه الفقہیہ المیسرو یلیها الملحق الاصول**، ج ۵، قم: مجمع الفکر اسلامی، ۱۴۲۴ هـ.ق.
- ۴- ایروانی، باقر، **دروس تمهیدیہ فی فقہ الاستدلالی**، چاپ سه، قم: موسسه الفقہ للطباعه والنشر، ۱۴۲۷ ق، ۱۳۸۵.
- ۵- بجنوردی، محمد حسن، **القواعد الفقہیہ**، قم: هادی، ۱۴۱۹.
- ۶- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، **ترمینولوژی حقوقی**، تهران: گنج دانش، ۱۳۶۳ هـ.ش.
- ۷- حلی، یوسف بن علی بن مطهر، **تبصره المتعلمین فی احکام الدین**، مترجم: ابوالحسن شعرانی، تهران: انتشارات اسلامیہ، ۱۳۸۵.
- ۸ حلی، نجم الدین محقق، **شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، ترجمه ابوالقاسم یزدی، تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۶۰.
- ۹- خمینی، روح الله موسوی، **تحریرالوسیله**، تهران: موسسه انتشارات دارالعلم، ۱۳۸۶.
- ۱۰- -----، **رساله الاحکام**، تهران: دیبا، ۱۴۰۴ ق،
- ۱۱- دستغیب، عبدالحسین، **گناهان کبیره**، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۸.
- ۱۲- زراعت، عباس، **شرح قانون مجازات اسلامی** (بخش تعزیرات-۳)، تهران: ققنوس، ۱۳۸۸.
- ۱۳- زراعت، عباس و حمید مسجد سرائی، **متون فقہ ۱**، تهران: انتشارات خط سوم، ۱۳۹۱.
- ۱۴- شامبیاتی، هوشنگ، **حقوق کیفری اختصاصی**، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۲.
- ۱۵- طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی)، **النهایه فی مجرد الفقہ والفتاوی**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۳ هـ.ش.
- ۱۶- قدیانی، عباس، **فرهنگ اصطلاحات حقوق جزایی**، تهران: انتشارات دیهیم، ۱۳۷۳.
- ۱۷- کاشف الغطاء، حسن، **انوار الفقاهه**، نجف اشرف: موسسه کاشف الغطاء، بی تا.
- ۱۸- گلدوزیان، ایرج، **حقوق جزای اختصاصی**، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.
- ۱۹- مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- ۲۰- مکی العاملی، محمد بن جمال الدین (شهید اول)، **اللمعه دمشقیہ**، قم: انتشارات دارالفکر، بی تا.
- ۲۱- منصور، جهانگیر، **قانون مجازات اسلامی**، چاپ ۱۰۴، تهران: دیدار، ۱۳۹۲.
- ۲۲- میر محمد صادقی، حسین، **جرائم علیه اموال و مالکیت**، چاپ چهارم، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷.
- ۲۳- نجفی، محمد حسن، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۴ هـ.ق.
- ۲۴- نور بها، رضا، **حقوق جزای عمومی**، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۰.

۲۵- ورام، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، قم: مکتبه الفقیه، بی تا.

۲۶- ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای اختصاصی، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۹.

مقالات:

۲۷- بلوری، اکبر، «خیانت در امانت»، کانون وکلا، دوره اول، ۱۳۳۶، شماره ۵۲.

۲۸- فرج الهی فرج الله، «خیانت در امانت ممنوع»، درس هایی از مکتب اسلام، شهریور ۵۶، سال ۴۷، شماره ۶.

۲۹- نوری، رضا، «خیانت در امانت»، مهنانه قضایی، ۱۳۵۲.

۳۰- وطن دوست، رضا، «امانتداری در آموزه های اسلامی»، آموزه های فقهی (مجله تخصصی الهیات و حقوق)، زمستان

۱۳۸۳ شماره ۱۴، ص ۱۴۴